

وسعت دامنه بحران تا حوزه اجتماعی



غلامرضا کاتب
دبیر هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی

بررسی عملکرد آنها حکایت از شرایط نامطلوب این صندوق‌ها دارد؛ صندوق‌هایی مانند نیروهای مسلح، بازنشستگان روستایی و عشایری و... که اگرچه عملکرد آنها چندان شفاف عنوان نمی‌شود، برآیند کلی نشان می‌دهد هر کدام به نوبه خود در مرز ورشکستگی هستند.

با عنایت به اینکه پرداختی‌های دولت به این بخش بزرگ‌ترین پرداخت‌ها در بخش عمومی است اما به نظر نمی‌رسد دولت برای یافتن راه‌حل‌هایی از این بحران، سیاست مشخصی داشته باشد. در حالی‌که مخارج این صندوق‌ها باید از طریق محاسبات پیچیده بیمه‌ای مدیریت شود، ولی می‌بینیم در سال‌های گذشته، برای تکالیف جدیدی که به صورت قوانین اصلاحی برعهده صندوق‌هاست، هیچ محاسبه‌ای نشده است.

مشکل این صندوق‌ها در شرایط رکود و کاهش توانان قیمت نفت که منجر به افت سطح درآمدهای دولت شده، آن قدر بغرنج شده است که اگر در سریع‌ترین زمان برای آن راهکار مناسبی تدبیر نشود، می‌تواند حتی بحرانی اجتماعی را نیز پدید آورد. اضافه شدن بار هزینه‌ای صندوق‌ها بر دوش دولت، آن هم در شرایطی که دولت برای هزینه‌های معمول جاری با مشکل مواجه است، عملاً قوه مجریه را ناتوان کرده و می‌بینیم که برای انجام امور جاری، مانند اجرای پروژه‌های نیمه‌تمام و حتی پرداخت یارانه‌های نقدی، با گرفتاری و مصیبت روبه‌روست.

با کمال تأسف باید گفت در طول سال‌های گذشته به‌رغم دورنمای مشهود از وضعیت آتی صندوق، توصیه‌های کارشناسان اثری نداشته و کماکان به روال سابق، امور صندوق‌ها انجام می‌شود؛ به‌طوری‌که امروز بدهی‌های دولت به صندوق تأمین اجتماعی به رقمی معادل کل بودجه امور رفاهی کشور رسیده است. باین حال، همچنان سازمان‌های تصمیم‌گیر درباره پرداخت این بدهی‌ها تعلل می‌کنند و حتی کارشناسان برای تادیه این بدهی‌ها به‌رغم وجود مواد قانونی صریح، چشم به مجلس دوخته‌اند تا شاید از رهگذر تصویب قوانین مؤکدتر، این دیون پرداخت شود و این ورشکستگی کمی به تعویق افتد؛ حتی اگر دولت بدهی صندوق‌ها را پرداخت کند، باز هم مشکل آنها حل نمی‌شود؛ بر این اساس باید نحوه تأمین مالی صندوق‌ها بازنگری شود. ابتدای کار صندوق‌های بازنشستگی، به‌ازای هر ۳۱ شاغل، یک نفر مستمری‌بگیر وجود داشت، درحالی‌که امروز این عدد به ۰٫۹ نفر در مقابل یک شاغل رسیده است. با این مقایسه ساده به‌خوبی مشخص می‌شود که روند هزینه و درآمد صندوق‌ها نه‌فقط در آینده روند وخامت بیشتری می‌گیرد که امروز هم مطابقت اصولی ندارد. در آینده نزدیک تعداد بازنشستگان روبه‌فزونی خواهد گذاشت و پرداخت حقوق بازنشستگی بر دریافت حق بیمه پیشی خواهد گرفت. این پیشامدی حتمی برای صندوق‌های بازنشستگی با طرح مذکور است. با عنایت به جایگاه مجلس، به‌عنوان یک نهاد قانون‌گذار و مؤثر، انتظار می‌رود نمایندگان در مجلس دهم، توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته باشند و از تمامی ابزارهای نظارتی و قانون‌گذاری برای رفع آن استفاده کنند و گرنه وقوع وضعیتی مشابه یونان به‌همراه تشدید رکود فعلی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

شاید یکی از مهم‌ترین و اولویت‌دارترین برنامه‌های مجلس دهم، رسیدگی به بحران عمیق‌یافته صندوق‌های بازنشستگی کشور باشد. هرچند این صندوق‌ها با سرمایه کارمندان و کارگران و کسورات دریافتی از آنها شکل گرفته است، امروز این صندوق‌ها با بحران مالی شدیدی مواجه‌اند که در صورت نرسیدن کمک دولت، از عهده انجام تعهداتشان برنمی‌آیند. با توجه به اینکه نظام اداره صندوق‌ها الگو گرفته‌شده از سیستم صندوق‌های بازنشستگی در کشورهای پیشرفته است، برای حل معضل آنها نیز باید به تجارب جهانی و چگونگی برخورد آن کشورها با بحران صندوق‌هایشان رجوع کرد.

در دیگر کشورها نیز این بحران‌ها در سال‌های گذشته وجود داشته است؛ به‌عنوان نمونه، در یونان بیش از ۲۰۵ میلیون بازنشسته و مستمری‌بگیر وجود دارد که منبع اصلی درآمد ۴۹ درصد از خانواده‌های این کشور همین پرداخت‌های بازنشستگی است. باین حال صندوق‌های این کشور نیز با مشکل پرداخت مواجه هستند. در کنار آن باید در نظر داشت که نرخ بیکاری در این کشور ۲۶ درصد است و این نرخ بین جوانان ایران به ۵۰ درصد می‌رسد. براین اساس پرداخت بیمه بیکاری نیز در زندگی خانواده بیکاران نقش بسیار مهم و حیاتی ایفا می‌کند. با این توضیح ملاحظه می‌شود که در کشورهای دیگر نیز صندوق‌های بازنشستگی با بحران‌های مشابه در ایران مواجه هستند.

این صندوق‌ها در ایران، درواقع، با خطر ورشکستگی قریب‌الوقوعی مواجه هستند. در بودجه سال جاری حدود ۵۴ هزار میلیارد تومان برای صندوق بازنشستگی، نیروهای مسلح و فولاد در نظر گرفته شده که از تمام بودجه بخش رفاه بیشتر است. این در شرایطی است که هر سال نیز بر میزان نیاز این صندوق‌ها با توجه به افزایش تعداد مشمولان و تعهدات اضافه‌شده برای آن بیشتر نیز می‌شود. بنابراین، سهم پرداخت‌ها به این بخش در بودجه‌های سنواتی به‌شدت در حال رشد است و بحران صندوق‌های بازنشستگی مدام عمیق‌تر می‌شود.

زمانی که درباره صندوق‌های بازنشستگی صحبت می‌شود، باید به بحران سه صندوق اشاره کرد که در مجموع دومیلیون و صد هزار نفر مشمول و مستمری‌بگیر دارد. صندوق تأمین اجتماعی را نیز باید افزود که به‌خودی‌خود دارای بیش از ۲۰۵ میلیون مستمری‌بگیر است. اگرچه تأمین اجتماعی در حال حاضر از دولت اعتبار سالانه‌ای دریافت نمی‌کند اما بررسی شرایط هزینه و درآمد این صندوق نشان می‌دهد احتمال مبتلا شدن به سرنوشت صندوق‌های بازنشستگی دیگر برای تأمین اجتماعی نیز وجود دارد و ماجرا وقتی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بدانیم زندگی حدود ۵۰ درصد از مردم ایران درگیر صندوق تأمین اجتماعی است.

امروز ۲۰ صندوق بزرگ و کوچک بازنشستگی در کشور است که

امروز ۲۰ صندوق بزرگ و کوچک بازنشستگی در کشور وجود دارد که بررسی عملکرد آنها حکایت از شرایط نامطلوب این صندوق‌ها دارد. صندوق‌هایی مانند نیروهای مسلح؛ بازنشستگان روستایی و عشایری و... که اگرچه عملکرد آنها چندان شفاف عنوان نمی‌شود ولی برآیند کلی نشان می‌دهد که هر کدام به نوبه خود در مرز ورشکستگی قرار دارند.